

جریان‌شناسی تقریب مذاهب اسلامی

مهدی مهریزی*

اشاره

نزدیک به یک قرن است که مسئله تقریب مذاهب به یکی از محورهای گفت‌وگو در بین مصلحان، متفکران و نیز متعصبان مذاهب گوناگون اسلامی تبدیل شده است. بسیاری از متفکران و مصلحان مسلمان از سر دلسوزی و خردمندی، و البته عده‌ای نیز از سر مصالح سیاسی، شعار تقریب را سر داده‌اند، از آن سوی، مخالفت مخالفان تقریب نیز از سر اعتقاد و شور دینی است، گرچه گروهی اندک نیز از روی مصالح سیاسی بر طبل تفرقه می‌کوبند. می‌توان این اندیشه‌ها و آثار ناظر به تقریب را در چند جریان کلی‌تر دسته‌بندی کرد. این کار می‌تواند ما را در شناخت رویکردی که تقریب را ماندگار و پایدار می‌سازد یاری کند. این مقاله پس از گزارش اجمالی آثار نوشته‌شده درباره تقریب و دسته‌بندی آنها، به جریان‌شناسی تقریب می‌پردازد. برای این منظور نخست از ملاک یک جریان تقریبی سخن رفته است و آنگاه پنج جریان بدین ترتیب معرفی شده‌اند: ۱. مخالفان تقریب، ۲. وحدت سیاسی اجتماعی، ۳. تأکید بر مشترکات و معذور دانستن یکدیگر در موارد اختلافی، ۴. تفسیر خاص از مسئله امامت، و ۵. تأکید بر مشترکات و بازنگری موارد اختلافی. در هر جریان، مهم‌ترین آثار نوشته شده و شخصیت‌های آن از میان شیعه و اهل سنت معرفی شده است.

کلیدواژه‌ها: تقریب، جریان‌شناسی، دارالتقریب، مجمع‌التقریب، مذاهب اسلامی

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.

مقدمه

مسئله تقریب مذاهب اسلامی که نزدیک به یک قرن است در جهان اسلام محور گفت‌وگوهای مصلحان، متفکران و نیز متعصبان مذاهب گوناگون است، به حدی از رشد و کمال رسیده که سزاوار است از بیرون نگریده و تحلیل شود و رویکردها و تحریرها و تقریرهایی که از آن صورت گرفته به بحث درآید تا موضوع و محل نزاع شفاف‌تر گردد. تقریب میان مذاهب را طیف‌های وسیعی از متفکران و مصلحان از سر دلسوزی و خردمندی دنبال می‌کنند، چنان‌که عده‌ای اندک نیز از سر مصالح سیاسی در پی آن‌اند. مخالفان تقریب نیز عمدتاً از سر اعتقاد و سوز دینی آن را دنبال می‌کنند، گرچه گروهی اندک از روی مصالح سیاسی بر طبل تفرقه می‌کوبند و آتش نزاع را شعله‌ور نگه می‌دارند. در این نوشتار تلاش می‌شود رویکردهای گوناگونی که در هر دو طیف مخالفان و موافقان تقریب مطرح‌اند گزارش شود.

پیش از پرداختن به جریان‌شناسی و گزارش رویکردها، توجه به چند نکته ضروری است:

الف) تاکنون در باب تقریب منابع بسیار به چاپ رسیده است مروری بر این منابع می‌تواند مقدمه‌ای برای جریان‌شناسی تلقی گردد. دکتر احمد زقایی آثاری را که تاکنون درباره وحدت نوشته شده‌اند به شش گروه تقسیم کرده است:

۱. پژوهش‌هایی که نویسندگان آنها تلاش کرده‌اند از سختی تحقق وحدت بکاهند و موانع درونی نزد علمای فریقین را بشکنند. نمونه این آثار مقالات منتشر شده در مجله رساله الاسلام در قاهره است که از سوی جماعة التقريب بين المذاهب الاسلامية (دار التقريب) منتشر می‌شد.

۲. گردآوری مقالات پراکنده در مجله رساله الاسلام که نمونه آن را در کتاب قصه التقريب گردآورده محمد المدني سردبیر رساله الاسلام و نیز الوحدة الاسلامية أو التقريب بين المذاهب السبعة، اثر عبدالکریم بی‌آزار شیرازی می‌توان دید.

۳. بررسی‌های تحلیلی و نقدی در یک موضوع معین فقهی، کلامی، تاریخی، اصولی و... که نمونه آن را در مجله رساله التقريب وابسته به مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و یا مقالات ارائه‌شده در کنفرانس‌های سالانه وحدت اسلامی و همایش‌های مجمع التقريب و سازمان تبلیغات اسلامی (همگی در ایران) می‌توان دید؛ مانند مقاله

«عملیات الخطأ والانحراف والتصحيح والالتقاء في الفكر السياسي الاسلامي» نوشته دکتر کلیم صدیقی و مقاله «خطوات من اجل التقريب الحقيقي» نوشته صائب عبدالحمید.

۴. پژوهش‌های علمی تطبیقی که نویسندگان آنها برای تقویت مذهب خود با نگاه تقریبی تلاش کرده‌اند. به تعبیر دیگر ظاهر آن تقریب و باطن آن دعوت به مذهب نویسنده و دفاع از آن است؛ از قبیل: معالم المدرستین، علامه عسکری، الخطط السياسية لتوحيد الامة الاسلامية از احمد حسین یعقوب و الصياغة المنطقية للفكر السياسي الاسلامي نوشته دکتر حسن عباس حسن و المراجعات اثر علامه عبدالحسین شرف‌الدین.

۵. پژوهش‌های فلسفی - کلامی‌ای که نویسندگان آنها به بررسی برخی از مبانی کلامی، فلسفی و یا سیاسی یکی از دو مذهب پرداخته‌اند؛ مانند جلد دوم نشأة الفكر الفلسفي في الإسلام نوشته دکتر علی سامی‌نشار، نظرية الامامة لدى الشيعة الإثنا عشرية نوشته دکتر محمود صبحی، و الصلوة بين التصوف و التشيع اثر دکتر مصطفی شیبی.

۶. نوشته‌های ترویجی و تبلیغی‌ای که از سوی نویسندگانی صورت گرفته که از یک مذهب به مذهب دیگر گرویده‌اند؛ مانند نوشته ادریس الحسینی مغربی با عنوان الاختيار الصعب في المذهب و المعتقد که زمینه‌ها و علل انتخاب تشیع را توضیح می‌دهد (زقافی، ۱۴۲۹: ۵ - ۷؛ الف: ۱۴۲۹: ۳).

به نظر می‌رسد این تقسیم‌بندی برای کتاب‌های منتشرشده جامع نیست، ضمن آنکه از منطق روشنی نیز پیروی نمی‌کند. اگر از ایراد فنی منطق تقسیم بگذریم لاقلاً به این گروه‌های شش‌گانه می‌بایست دو گروه دیگر را اضافه کرد:

۱. کتاب‌هایی که درباره تاریخچه تقریب یا شرح حال و تحلیل پیشتازان تقریب به نگارش درآمده‌اند؛ مانند قصة التقريب از استاد سید هادی خسروشاهی و سلسله کتاب‌هایی که مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در ایران، با عنوان رواد التقريب، طلایه‌داران تقریب و منادیان وحدت منتشر کرده است که تاکنون بیش از بیست عنوان از این سلسله به چاپ رسیده است.

۲. کتاب‌هایی که در نقد تقریب یا ارائه برخی از راه‌حل‌ها برای تقریب با نگاه خاص تدوین شده است؛ مانند کتاب خود دکتر زقافی. در ادامه مقاله نیز به نمونه‌هایی از این آثار اشاره خواهیم کرد.

ب) آیت‌الله محمد واعظ‌زاده خراسانی، صور پنج‌گانه‌ای را برای تقریب ذکر کرده، می‌گوید اینها مورد قبول طرفداران تقریب نیست؛ آن موارد عبارت‌اند از:

۱. الغای کلیه مذاهب اسلامی و پیروی از سلف صالح؛
۲. پذیرفتن اصول مشترک مذاهب و کنار گذاشتن مسائل اختلافی؛
۳. ادغام مذاهب؛
۴. تأسیس مذهب جدید؛
۵. انتخاب یکی از مذاهب موجود (۱۳۷۳ الف: ۱۳۲ - ۱۳۳ و ۱۵۰).

نکته‌ای که در این زمینه باید بدان اشاره کرد این است که این موارد چنان‌که گفته شده صورت‌هایی ذهنی هستند که در خارج طرفدار ندارد؛ یعنی کسانی که از تقریب سخن گفته‌اند سخنشان بر مبنای این صور نبوده است. بدین جهت اگر کسانی برخی از این موارد را ادعا و در آثار خود دنبال می‌کنند، با رویکرد و نگاه تقریبی میان شیعه و اهل سنت نیست. در اینجا برای روشن شدن مطلب به دو مورد اشاره می‌کنم:

شیخ محمد عبده برای سازگاری فقه با تحولات زندگی استفاده از مذاهب مختلف را پیشنهاد می‌کند. مرحوم حمید عنایت دیدگاه وی را چنین توضیح داده است:

اصل دوم «تلفیق» است که مقصود عبده از آن آمیختن و سازگار کردن احکام مذاهب چهارگانه اهل سنت در حل مسائل اجتماعی است. فقهای سنی پیش از عبده نیز قبول داشتند که قاضی در تفسیر قواعد فقهی می‌تواند از هر یک از مذاهب چهارگانه، حتی اگر مذهب خود او نباشد، در مواردی معین پیروی کند. عبده این اصل را نیز تعمیم داد و گفت به اقتضای اوضاع و احوال می‌توان از هر یک از مذاهب چهارگانه اقتباس کرد، بلکه احکام هر چهار مذهب را به اضافه تعالیم حقوق‌دانانی که به هیچ یک از آنها تعلق ندارند، باید با یکدیگر به‌طور منظم مقایسه کرد و سنتز یا ترکیبی از بهترین آرای حقوقی را فراهم آورد (۱۳۷۰: ۱۴۰ - ۱۴۱).

همچنین احمد محمد شاکر در کتاب *نظام الطلاق فی الاسلام*، برخی از آرای شیعه را از قبیل بطلان سه طلاق در یک مجلس، و لزوم اشهاد در طلاق را پذیرفته است (۱۴۱۸: ۴۳، ش ۶۷؛ ۵۹، ش ۱۰۶: ۸۱-۸۰، ش ۱۵۲-۱۵۴). این دو نفر گرچه به گونه‌ای از اسلام بلا مذاهب سخن گفته‌اند و آن را در منظومه فکری خود طراحی کرده‌اند، لکن هیچ

یک از این دو این تلاش علمی را به‌عنوان عملی تقریبی و برای تحقق تقریب شیعه و سنی انجام نداده‌اند.

ج) در معرفی هر جریان به معرفی مهم‌ترین آثار مکتوب و نیز خلاصه دیدگاه و تاریخ شکل‌گیری پرداخته می‌شود.

اینک پس از بیان این مقدمات به گزارش اجمالی جریان‌ها و رویکردها به تقریب پرداخته و آن را ذیل پنج عنوان بررسی می‌کنیم:

یکم) مخالفان تقریب

منظور از مخالفان تقریب کسانی‌اند که در میان اهل سنت و شیعه، تقریب را عملی انحرافی و ساخته و پرداخته رقیب می‌دانند. در اینجا به معرفی چهار نفر که اثر مکتوب در این زمینه دارند می‌پردازیم:

۱. ناصر القفاری

یکی از مخالفان تقریب دکتر ناصر بن عبدالله بن علی القفاری است. شاید بتوان گفت قدیمی‌ترین و مفصل‌ترین نوشته از او است.

مسألة التقريب بين اهل السنة والشيعة، ناصر بن عبدالله بن علی القفاری، ریاض: دار طيبة، ۱۴۱۲ق، ۲ ج، ۳۹۶ + ۴۳۵ص.

این کتاب چنان‌که در مقدمه آن آمده، پایان‌نامه فوق لیسانس نویسنده است که در سال ۱۳۹۸ قمری از آن دفاع کرده و سپس آن را به چاپ رسانده است. کتاب در دو جلد منتشر و در دو بخش تنظیم شده است. بخش نخست حاوی آرا و عقاید اهل سنت و شیعه است. جلد اول آن به این موضوع اختصاص دارد و البته عمده آن در تبیین عقاید شیعه است. بخش دوم که جلد دوم را تشکیل می‌دهد مسئله تقریب را مطرح کرده و داعیه‌داران آن را در شیعه و اهل سنت به بحث می‌گذارد. نویسنده با تعصب بسیار به موضوع نگرسته و نقل‌های نادرست را با کج‌فهمی و قضاوت‌های ناصواب همراه کرده است.

وی تقریب را در شکل کنونی «بدعت بزرگ» می‌داند: «فكانت دعوة التقريب هي "البدعة الكبرى" التي أرادت أن تعطى الكفر والضللال والإلحاد صفة الشرعية واسم

الإسلام» (۱۴۱۲: ۲ / ۲۷۸). از لابه‌لای نوشته مفصل او می‌توان دو دلیل بر مخالفت با تقریب استخراج کرد:

۱. شیعه جزو فرقه‌های حق نیست تا بتوان با آن تقریب کرد. به تعبیر دیگر، تقریب در جایی است که فرقه‌هایی بر حق در میان مسلمانان شکل گرفته باشند، ولی شیعیان به جهت عقاید خاص و ویژه‌ای که دارند بر باطل‌اند نه بر حق و از این رو جایی برای تقریب با آنها نیست؛ لذا در جایی از کتاب به تعامل شایسته با اهل کتاب توصیه دارد، ولی نسبت به شیعه چنین توصیه‌ای دیده نمی‌شود.

وی پس از ذکر آیات قرآن در باب وحدت می‌نویسد:

لكن هذا المنهج خاص بالمسلمين الذين يهتدون بهدى الله أما من يتسمى بالاسلام و هو ضد الاسلام فانه يجب كشفه لتعرف الامة عداوته و لايجدى معه سلوك هذا السبيل (همان: ۱ / ۸).

فمع من نتحد - معشر أهل السنة؟ مع من يطعن في قرآنا، و يفسره على غير تأويله و يحرف الكلم عن مواضعه، و يزعم تنزِيل كُتُب إلهية على الأئمة... و يكفر الصديق و الفاروق و أم المؤمنين و أحب نسائه إليه عائشة رضی الله عنها و طلحة و الزبير و غيرهم من أجلة الصحابة رضوان الله عليهم، و يرى الشرك توحيدا، و الإمامة نبوة، و الأئمة رسلاً أو آلهة، و يخادع المسلمين باسم التقية (همان: ۲ / ۲۸۰).

۲. پرچمدار تقریب در گذشته و حال شیعیان‌اند و آنان با سپر تقیه قصد نفوذ در میان اهل سنت را دارند و تقریب را بهانه‌ای برای ترویج افکار و اندیشه‌ها و کتب خود می‌دانند و از این تقریب، اهل سنت خسارت دیده‌اند:

و قد سببت دعوة التقريب خسارة كبرى لأهل السنة، و ضررا كبيرا لا يتصوره إلا من وقف على عدد القبائل التي ترفضت بجملتها، فضلاً عن الأفراد، حتى تحولت العراق - مثلاً - بسبب هذه الدعوة من أكثرية سنّية إلى أكثرية شيعية. و شیوخ الروافض يخططون لنشر الرفض بكل وسيلة تحت شعار التقريب و بعد العراق بدأوا في مصر و غيرها من بلاد العالم الإسلامي، و اشتروا الأقلام و غروا ضعاف النفوس و الإیمان، و خدعوا أصحاب الغفلة و الجهل. و جعلوا منهم أبواق دعاية للرفض و الروافض. و بسبب دعوة التقريب سكت أهل السنة أو جلمهم عن بیان باطل الروافض و إيضاح الحق. و باسم هذه الدعوة وجدت كتب الرفض و نشراتهم و

رسائلهم، مکانا لها فی بلاد السنّة. و أصبح رجال الرفض يتحركون وسط بلاد السنّة بیسر و سهولة و ينشرون كتبهم و یقیمون ندواتهم و یفتحون مراكز لهم (همان: ۲ / ۲۷۸-۲۷۹).

۲. عبدالمنعم النمر

وی کتابی دارد با عنوان *المؤامرة على الكعبة من القرامطة الى الخمينی* که در سال ۱۹۸۸ در قاهره توسط مکتبته التراث الاسلامی به چاپ رسیده است. نویسنده تقریب را تلاشی از سوی عالمان شیعه برای شیعه‌کردن اهل سنت می‌داند؛ به این عبارت بنگرید: هذا التقريب الذي اعلنه علماء الشيعة عندنا (محمدتقی القمی) و ظل عشرات السنين یرددونه لم يتقدم خطوة، ولم تر منه الا محاولات لتشييع علماء السنة وجرهم الى مذهبه وکسبه تنازلات منهم باسم التقريب (المؤامرة على الكعبة من القرامطة الى الخمينی: ۴۵؛ به نقل از: زقافی، ۱۴۲۹: ب: ۲۷۰).

۳. میرسیداحمد روضاتی

وی یکی دیگر از مخالفان تقریب است و کتابی دارد با مشخصه‌های زیر: *گفتگوی یک دانشمند شیعی با یک عالم سنی یا مناظره و مباحثه پدر شیخ بهایی*، ترجمه میرسیداحمد روضاتی، تهران: مترجم، ۱۳۸۷ق / ۱۳۴۶ش، ۱۹۴ص، فارسی، وزیری.

این کتاب ترجمه رساله *مناظره مع بعض العامة* اثر حسین بن عبدالصمد عاملی (م ۹۸۴ق) است که بسیار کم‌حجم و مباحثه‌ای است میان نویسنده و یک عالم سنی اهل حلب به سال ۹۵۱ق. مترجم این رساله را در صفحات ۱۳۹ تا ۱۸۵ ترجمه کرده ولی دو سوم هر صفحه توضیحات و تعلیقات مترجم است. از ابتدای کتاب تا صفحه ۱۳۸ نیز دو مقدمه مترجم بر چاپ اول و دوم می‌باشد. مترجم در ضمن مقدمه در چند نوبت به مسئله تقریب پرداخته، آن را نقد می‌کند. در جایی گفته است:

فکر تقریب بین مذاهب اسلامی از افکار علمای سنی است که فقط برای جلوگیری از تبلیغات مذهب شیعه به وجود آمده، و اولین فردی که در این راه قدم برداشته شافعی امام سنیان است (۱۳۸۷: ۲۷).

در جایی دیگر می‌گوید:

اما علمای سنی مذهب از همان قدیم برای کم‌کردن اختلافات و مخصوصاً برای جلوگیری از نشر مذهب شیعه و ترویج آن به فکر تقریب بین مذاهب افتادند و از گوشه و کنار به راه‌های مختلف وسیله آن را فراهم می‌کردند (همان: ۲۳).

۴. یعسوب‌الدین رستگار جویباری

وی کتابی دارد با عنوان *حقیقت وحدت در دین و حکمت عید الزهراء علیهاالسلام* (۱۴۲۴ق، قم: مؤلف، ۱۹۲ص، جیبی (فاقد مجوز نشر)) که در آن به مخالفت با امر تقریب و وحدت برخاسته است.

نویسنده، این کتاب را در دو فصل تنظیم کرده که در فصل نخست مسئله وحدت را به بحث گذارده و در ۲۷ بند مطالبی را کَشکول‌وار آورده است و در فصل دوم حکمت عید الزهراء را ضمن ۲۶ بند دیگر به همان شیوه مطرح کرده است. این کتاب نه تنها روشمند، علمی و مستند نیست؛ بلکه به جهت لحن و ادبیات نوشتار و توهین و تکفیر و تفسیق شایسته نشر و ترویج نیز نیست. عقیده نویسنده را در باب وحدت می‌توان از مطالبی مانند این عبارت به دست آورد:

شعار بی‌شعور هفته وحدت بین شیعه و سنی و تقریب ادیان و مذاهب و... که در مملکت حضرت صاحب الزمان علیه‌السلام داده می‌شود و عامه مردم از حقیقت این امر ناآگاه‌اند، این یک نقشه شیطانی برای خلط بین حق و باطل و تضعیف حق و تقویت باطل و سرانجام با نابودی حق منتهی می‌گردد، می‌باشد (۷۴).

دوم) وحدت سیاسی - اجتماعی

شاید بتوان نخستین تلقی از وحدت و تقریب و سابقه‌دارترین آن را تأکید بر همزیستی مسالمت‌آمیز و وحدت سیاسی اجتماعی در برابر دشمن مشترک دانست. این تلقی از تقریب دو منظر دارد. یکی درون‌آیینی که مسلمانان را از نزاع و جنگ با یکدیگر پرهیز می‌دهد و آنان را به همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت می‌کند. یادآوری نزاع‌های تاریخی و جنگ و کشتارها و هتک حرمت‌ها و... با این غرض و هدف صورت می‌گیرد. دیگری منظر برون‌آیینی است؛ یعنی مسلمانان به‌عنوان یک خانواده بزرگ همیشه و در طول

تاریخ در معرض خطر و هجوم دشمن بیرونی بوده‌اند، از جنگ‌های صلیبی گرفته تا حملات صهیونیست‌ها. از این رو باید در برابر دشمن مشترک اختلافات داخلی را به فراموشی سپرد (برای نمونه‌ای از این دست تحلیل‌ها مراجعه شود به مقاله «تألیف اهل قبله»، مجله حوزه، شماره ۱۲، ۱۳۶۴ش/ ۱۴۰۶ق: ۱۰۵ - ۱۲۲).

نادرشاه افشار، در نخستین سال سلطنتش، علمای همه فرقه‌های اسلامی را جمع کرد و آنان را متقاعد ساخت که وحدتشان ضامن بقای اسلام و نوامیدی کفار و دوام سلطنت ایران است و از آنان تعهد کتبی گرفت که تعصبات فرقه‌ای و سب و لعن و تکفیر را کنار بگذارند و علیه یکدیگر فتوا ندهند و اقدام نکنند (سایکس، ۱۳۳۰: ۲ / ۳۶۶؛ لارنس، ۱۳۳۱: ۱۳۱). پاسخ شیخ الشریعه اصفهانی (م ۱۳۲۹ق) به یکی از پیشوایان جعفری مذهب بخارا در سال ۱۳۲۸ق، نیز این دیدگاه را نشان می‌دهد:

امروز روزی است که همه فرق مسلمین باید نزاع خانگی را موقوف دارند و به معاونت و معاضدت یکدیگر مقابله کنند با آنها که اضمحلال شرایع اسلام و ایمان و انهدام اساس شریف قرآن و تبدیل ناقوس با صوت اذان و ذهاب اسم پیغمبر آخر الزمان علیه و آله افضل صلوات الملک المنان را طالب و عمل کنند به وصیت آن جناب در مسمه حنیف و ید واحده بر من سوای خود شوند و زیاده از این تقویت قوای اجانب را به توهین و تضعیف قوای خود و شیوع اخبار موحشه که تصدیق وقع به اسهم بینهم می‌نمایند نکنند، تا کی مسلمین در خواب و اغترار و اجانب هوشیار و بیدار کار (اردوش، ۱۳۸۴: ۵۴۶).

سوم) تأکید بر مشترکات و معذور دانستن یکدیگر در موارد اختلافی

یکی از جریان‌های تقریب که بسیاری از داعیه‌داران عالم و فهیم تقریب آن را مطرح و دنبال می‌کنند تأکید بر مشترکات و معذور دانستن یکدیگر در موارد اختلافی و بحث علمی درباره آنها یا مسکوت گذاردن این اختلافات است. اینان بر این عقیده‌اند که مشترکات ۸۵ تا ۹۰ درصد مذاهب اسلامی را تشکیل می‌دهد (رک: واعظزاده، ۱۳۷۳الف: ۱۵۱).

۱. آیت‌الله محمد آصف محسنی

از ایشان کتابی با عنوان *تقریب مذاهب از نظر تا عمل* (قم: نشر ادیان، ۱۳۸۶) منتشر شده که حاوی چند مصاحبه از ایشان در موضوعات مختلف وحدت است. ایشان در

یکی از مصاحبه‌ها می‌گوید:

تقریب، یعنی همکاری در ترویج و حفظ مشترکات دینی که بسیار زیاد است و معذور دانستن همدیگر در مورد اختلافات، روی اصل: للمصیب أجران و للمخطیء أجر واحد. و برادری و دوستی به‌عنوان مسلمان، روی اصل: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ» (حجرات: ۱۰) در زندگانی اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و بالأخره مورد چهارم، عدم توهین به پیشوایان و اصول مذهبی سایر اهل مذاهب اسلامی (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۰۷).

۲. آیت‌الله محمد واعظزاده خراسانی

از ایشان دو کتاب در این زمینه منتشر شده است. کتاب پیام وحدت حاوی مصاحبه‌های ایشان در زمینه وحدت است و در کتاب *ندای وحدت*، سخنرانی‌های ایشان در زمینه وحدت گردآوری شده است. وی در کتاب *پیام وحدت* می‌گوید:

بنابراین آنچه مورد قبول ما است و علمای گذشته هم بر آن صحه گذاشته‌اند این است که: هرچند همه مذاهب اسلامی دارای مبانی خاص و اصول ویژه خود هستند، با این همه عناصر مشترک هم بین آنها فراوان است و ما با دقت نظر درمی‌یابیم که حدود هشتاد و پنج درصد بلکه نود درصد عناصر اعتقادی، فقهی و اخلاقی بین تمامی مذاهب مشترک است، ما بایستی بر این اصول مشترک که به وحدت مسلمانان می‌انجامد تأکید بورزیم، زیرا فلسفه حرکت ما، رسیدن به وحدت اسلامی است، و در بقیه مسائلی که مورد اختلاف علمای مذاهب است باب اجتهاد را باز گذاشته و با بحث و تبادل نظر علمی در مسائل فقهی، کلامی و اخلاقی به نزدیک‌ساختن دیدگاه‌های آنان پردازیم (۱۳۷۳ الف: ۱۵۱ و ۱۳۳).

۳. علامه سمنانی (م ۱۳۹۱ق)

می‌توان گفت علامه حائری سمنانی^۱ نیز در مقاله «الی اخواننا المسلمین» که در سال ۱۳۷۰ق / ۱۹۵۱م در مجله *رسالة الاسلام* به چاپ رسیده است چنین نظری دارد. وی علاوه بر لازم دانستن رجوع مجتهدان شیعه و اهل سنت به جوامع چهارده‌گانه حدیثی (یعنی صحاح سته، کتب اربعه شیعه، وافی، بحار الأنوار، وسائل الشیعة و مستدرک

الوسائل) برای تحقق فحص، راه مصالحه شیعه و اهل سنت را در امامت و خلافت چنین توضیح می‌دهد:

فإن ملاك التسنن الخالص عن الزوائد التعصبية إنما هو صحة الخلافة المليية لا إنكار الإمامة السماوية المنصوصة، و لا الإعراض عن علوم أهل بيت الرسالة و رواياتهم و فتاواهم، كما أن ملاك التشيع الكامل اعتقاد الإمامة المنصوصة لعلى و الأئمة الأحد عشر من ولده و افتراض طاعتهم فى العلوم الدينية لا إبطال خلافة من قام بمصالح الأمة مع العدل و الزهد و الأمانة على بيت المال لإمكان رضى الإمام المنصوص بها، و لو لصلاح الوقت و خشية الفتنة، و قد كان الأمر فى الصدر الأول على هذا المنوال (حائرى سمنانى، ۱۳۷۰: ۴۰۸).

۴. علامه سید مرتضی عسکری (۱۳۳۲-۱۴۲۸ق)

رویکرد علامه عسکری در کتاب‌هایش وحدت میان مسلمانان بوده است، گرچه دکتر زقاقی آثار علامه را چندان تقریبی نمی‌بیند (۱۴۲۹ب: ۶) ولی حقیقتاً مشی و منهج ایشان تقریبی است. ایشان را حتی نمی‌توان در گروه دوم از جریان‌ها قرار داد که تنها دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز دارند، بلکه وی در نوشته‌هایش معتقد است سنت پیامبر، بین فرقه‌های اسلامی پراکنده است و باید پذیرفت که همه‌اش نزد یک فرقه نیست؛ به این عبارت بنگرید:

باز همین‌جا اشاره کنم که من در مقالات و سخنرانی‌ها در هر کشوری که رفته‌ام، حتی در جمع سلفی‌ها و وهابی‌ها، این نکته را مطرح کرده‌ام که مادام که هر فرقه‌ای سنت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله را منحصر به روایات خودش بداند و سنتی را که نزد دیگران هست به‌طور کلی نفی و انکار کند، هر روز از وحدت اسلامی و حکومت جهانی اسلام، دورتر خواهیم شد (۱۳۸۰: ۹۰).

۵. نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی (۱۳۰۲-۱۳۸۵ش)

ایشان در مقاله‌ای که در سال ۱۴۰۴ق / ۱۳۶۳ش با عنوان «وحدت اسلامی» نگاشته همین دیدگاه را مطرح می‌کند:

خلاصه بحث و محصول پنج دلیل این شد که اهل سنت اگر در اجتهاد یا تقلید خود تقصیر نکرده باشند و به تعبیر حدیث امام محمدباقر علیه‌السلام: اگر

محسن باشند (نه ظالم) اعمالشان مجزی است و همان‌طور که شلتوت فتوی داد که عمل به فقه امامیه مجزی است ما فتوی می‌دهیم که عمل به فقه اهل سنت برای خود آنان مجزی است و نزد خدا مأجورند و اگر مجتهد شیعی در مواردی فقه اهل سنت را صحیح‌تر تشخیص دهد باید در آن موارد به فقه اهل سنت عمل کند. عالم آزادفکر و شجاع شیخ شلتوت برای وحدت اسلامی اولین قدم استوار را برداشت و این قدم دوّم است که ما بعد از شلتوت در مسئله مورد بحث در راه وحدت اسلامی برمی‌داریم و الفضل للمتقدّم (۱۳۶۴: ۱۸۹).

۶. شیخ محمود شلتوت

شیخ محمود شلتوت پس از فعالیت‌های مجمع التقریب در مصر و تأثیر آن در میان بزرگان الأزهر در سال ۱۳۷۸ق فتوایی صادر کرد و شیعه را مذهبی از مذاهب اسلامی معرفی کرد و عمل پیروان این مذهب را مجزی دانست. متن این فتوا که در مجله رساله الاسلام (س ۱۱، ۱۳۷۹ق / ۱۹۵۹م، ش ۳، ص ۱) منتشر شده چنین است:

قیل لفضیلتہ:

انَّ بعض النَّاسِ یرى انه یجب علی المسلم لکی تقع عباداته و معاملاتہ علی وجه صحیح ان یقلد احد المذاهب الأربعة المعروفة و لیس من بینها مذهب الشیعة الامامیة و لا الشیعة الزیدیة فهل توافقون فضیلتکم علی هذا الرأى علی اطلاقه فتمنعون تقلید مذهب الشیعة الامامیة الاتناشریة مثلاً؟

فاجاب فضیلتہ:

۱. ان الاسلام لا یوجب علی أحد من أتباعه إتباع مذهب معین بل تقول ان لكلّ مسلم الحقّ فی ان یقلد بادئ ذی بدء أى مذهب من المذاهب المنقولة صحیحا و المدونة احكامها فی كتبها الخاصّة. و لمن قلّد مذاهب من هذه المذاهب ان ینتقل الی غیره أى مذهب كان و لا حرج فی شیء من ذلك.

۲. انّ مذهب الجعفریة المعروف بمذهب الشیعة الامامیة الاتناشریة مذهب یجوز التبعّد به شرعا کسائر مذاهب اهل السنّة.

فینبغی للمسلمین ان یعرفوا ذلك و ان یتخلّصوا من العصبیة بغير الحق لمذاهب معینة فما كان دین الله و ما كانت شریعته متابعه لمذهب أو مقصورة علی مذهب فالكلّ مجتهدون مقبولون عند الله تعالی، و یجوز لمن لیس اهلاً للنظر و الاجتهاد تقلیدهم و العمل بما یقررونه فی فقههم و لا فرق فی ذلك بین العبادات و المعاملات.

چهارم) تفسیر خاص از مسئله امامت

گروهی از شیعیان با ارائه تفسیری خاص از امامت در عقاید شیعه تلاش کرده‌اند راه‌های تحقق تقریب را فراهم سازند. در این زمینه می‌توان از این افراد نام برد: حیدرعلی قلمداران، سید مصطفی حسینی طباطبایی، سید ابوالفضل برقی، سید احمد قبانچی، احمد کاتب. اینک به معرفی نوشته‌ها و توضیح دیدگاه آنان می‌پردازیم.

۱. حیدرعلی قلمداران

وی کتابی دارد با عنوان *شاهراه اتحاد* که به صورت تکثیری، توزیع شده است. کتاب دارای ۲۹۸ صفحه است و مقدمه‌ای از سید ابوالفضل برقی را نیز همراه دارد. وی ضمن تأکید بر افضلیت و احق و اولی بودن امیرالمؤمنین (ع) به خلافت رسول خدا (ص) و امامت علمی و معنوی ایشان، با تشکیک و نقد نصوص خلافت و قضیه سقیفه، چنین گمان می‌کند که ماده اصلی اختلاف امت اسلامی را از میان برداشته است (شاهراه اتحاد: ۵). به سخن دیگر شاید بتوان سخن وی را به «تفکیک مقام امامت علمی و معنوی از خلافت» تعبیر کرد.

۲. سید مصطفی حسینی طباطبایی

وی کتابی با مشخصه‌های زیر در تحلیل دیدگاه خود منتشر کرده است:
حل الاختلاف بین الشیعة و السنة فی مسألة الامامة، ترجمه به عربی سعد رستم، دمشق: الاوائل، ۲۰۰۲ م، ۸۰ ص، جیبی. این کتاب ترجمه بخش پنجم کتاب *راهی به سوی وحدت اسلامی* است که در سال ۱۴۰۰ ق منتشر شده است.
نویسنده در این کتاب بر این عقیده است که مسئله تقریب را به شکلی که رایج و دایر است نمی‌توان به سامانی رسانید. تأکید عالمان شیعه بر نصوص امامت و تأکید اهل سنت بر فضائل خلفا جز آنکه آتش نزاع را شعله‌ورتر سازد، ثمر و فایده‌ای در پی ندارد. وی معتقد است برای تقریب باید از منظری دیگر به مسئله نگریست و چهار موضوع را مورد بحث و کنکاش علمی قرار داد:

۱. آیا امامت جدا از امارت و حکومت است یا خیر؟

۲. رفتار ائمه اهل بیت با حاکمان و والیان عصر خود چگونه بوده است؟

۳. سلوک ائمه اهل بیت با فقها و ائمه مذاهب اهل سنت چگونه بوده است؟

۴. آیا خطا در مسئله امامت سبب خسران بزرگ در آخرت و رفتن به جهنم است

یا خیر؟

وی در مسئله اول با استناد به آیاتی از قرآن چنین استنتاج می‌کند که امامت امری معنوی و روحی و نشان‌دهنده رسیدن امام به آن مقامات معنوی و روحی است؛ خداوند وی را به این مقام نصب کند یا نه. این مقام معنوی تلازمی با حکومت و اداره و مدیریت و زعامت اجتماعی ندارد. در این زمینه، به داستان طالوت و نبی در سوره بقره اشاره می‌کند (بقره: ۲۴۷ - ۲۴۶).

در مسئله دوم به استناد نامه امیرالمؤمنین در *الغارات* چنین عقیده دارد که امام علی(ع) با حکومت خلیفه اول و دوم موافقت کرد و با آنان بیعت نمود؛ البته بیعت با خلیفه اول پس از شش ماه و پس از فوت حضرت زهرا(س) صورت گرفت. سپس نمونه‌هایی را از کلمات امیرالمؤمنین در رضایت از سیره شیخین و مشورت با آنان می‌آورد. آنگاه به نمونه‌هایی از سخنان زید درباره شیخین، سخنان امام سجاد(ع) در این زمینه، و همچنین یکی از نامه‌های امام حسین(ع) به مردم بصره که در آن از خلفا به نیکی یاد کرده‌اند، اشاره می‌کند.

در مسئله سوم معتقد است ائمه(ع) با مروت و دوستی با فقها و عامه اهل سنت رفتار می‌کردند و نمونه‌های از احادیث شیعه را در این زمینه شاهد می‌آورد. سپس به مسئله چهارم می‌رسد و آن را مهم‌ترین مسئله می‌داند و می‌گوید که اگر کسانی به خطا امامت و خلافت را انکار کنند دلیلی بر خسران معنوی آنها در قیامت نیست و نمونه‌هایی از روایات شیعه را در این زمینه می‌آورد و سپس روایاتی از کتب اهل سنت می‌آورد که طبق آنها شروط نجات و ایمان بر شیعه نیز منطبق است.

۳. احمد الکاتب

این نویسنده در یک دهه اخیر، نوشته‌های جنجالی‌ای در زمینه مسائل اعتقادی شیعه داشته است، یکی از این آثار کتابی است با مشخصه‌های زیر:

السنة و الشيعة وحدة الدين خلاف السياسة و التاريخ، لندن: دار الشوری، بیروت: الدار

العربية للعلوم، ۱۴۲۸ق / ۲۰۰۷م، ۲۱۶ص، وزیری.

وی این نوشته را در سه باب تنظیم کرده است: باب اول: وحدت دین؛ باب دوم: اختلافات سیاسی و تاریخی؛ باب سوم: راه وحدت.

در باب اول، در ضمن سه فصل، مهم‌ترین مشترکات و اختلافات شیعه و اهل سنت را در سه حوزه اعتقادات، منابع اصلی دین (قرآن، سنت، اجماع، عقل)، و فقه به بحث گذاشته است. در باب دوم نیز در سه فصل، جایگاه و مکانت صحابه را نزد شیعه و اهل سنت، نقد و بررسی ادعیه و زیارات موجود در کتب شیعه و اختلافات سیاسی این دو گروه را مورد توجه و اهتمام قرار داده است. باب سوم که آخرین باب است حکم جمع‌بندی و بیانیه اجرایی نظریه نویسنده را دارد. البته در این جمع‌بندی به نکته‌هایی که در متن کتاب بر آنها انگشت نهاده و آنها را ماده اصلی اختلافات دانسته اشاره نشده است. رویکرد و دیدگاه وی را در باب تقریب از این عبارتها می‌توان به دست آورد:

ولعل موضوع الامامة الالهية لاهل البيت و العصمة و النص و موضوع (الامام الثاني عشر المهدي المنتظر الغائب) من ابرز المواضيع التي تحتاج الى مزيد من النقد و التمحيص، و ذلك لان هذه المواضيع تشكل اساس المذهب الامامي الاثني عشري، و مادة الخلاف الرئيسية مع بقية المسلمين (۱۴۲۸: ۶۱).

پنجم) تأکید بر مشترکات و بازنگری و بازخوانی موارد اختلافی

به نظر می‌رسد این دیدگاه برآیند تحولات منطقی و عالمانه در مسئله تقریب است. یکی از کسانی که این دیدگاه را مطرح کرده دکتر احمد زقافی است. وی این نظریه را چنین توضیح می‌دهد: «التصحيح: و هو ضرب من النقد الذاتي يقوم به علماء كل مذهب لمواجهة الانحرافات التاريخية التي انتجت الفرقة» (۱۴۲۹: ۵). دکتر زقافی دو کتاب درباره تقریب نوشته که این نگاه را دنبال می‌کند گزارش اجمالی کتاب‌های وی چنین است:

۱. *التقريب بين الشيعة واهل السنة و تحديات الاختلاف و التصحيح*، اردن: عالم الكتب الحديث و جدار الكتاب العالمي، ۱۴۲۹ق / ۲۰۰۸م.

زقافی پس از یک مقدمه تحلیلی در باب اهمیت پرداختن به تقریب و گزارشی تحلیلی از مکتوبات در زمینه تقریب، کتاب را در چهار بخش سامان می‌دهد. در بخش

نخست به اجمال از شکل‌گیری شیعه و اهل سنت سخن می‌گوید. در بخش دوم موارد اختلاف نزد شیعه و اهل سنت را در سه حوزه سیاست و حکومت، اعتقادات، و فقه بر می‌شمارد. در حوزه سیاست به مسئله امامت و شئون و مسائل آن از قبیل نص یا انتخاب و تعداد ائمه (ع) می‌پردازد. در حوزه اعتقادات، دیدگاه‌های خاص شیعه را در زمینه امامت، عصمت، تقیه، بداء و رجعت گزارش می‌کند. و در حوزه فقه به پنج مسئله می‌پردازد: شستن پاها در وضو، مسح بر کفش، جمع بین نمازها، ازدواج موقت، خمس و ارث دختر.

بخش سوم کتاب با عنوان «التصحیح فی سیاق التاریخ و العقل و العواطف»، به ضرورت بازنگری شیعه و اهل سنت در دیدگاه‌های اختصاصی خود و اصلاح آنها در پرتو تاریخ، عقل، عواطف و احساسات توجه می‌دهد. اصلاح برخی از خرافات تاریخی در شیعه و اهل سنت و نقد اخباری‌گری و سلفی‌گری و نیز انحراف اهل سنت از اهل بیت و بدعت‌های عاشورایی را از مصادیق بارز برای این بازنگری‌ها می‌داند. آخرین بخش کتاب را به تقریب اختصاص داده است و از مفهوم تقریب، نهادهای شکل‌گرفته در زمینه تقریب و نیز راه‌های تقریب سخن می‌گوید.

پایان بخش کتاب پیوست‌های شش‌گانه‌ای است بدین شرح:

بیانیه پایانی نخستین سمینار تقریب در رباط در سال ۱۴۱۲ق / ۱۹۹۱م.

بیانیه پایانی دومین سمینار تقریب در رباط در سال ۱۴۱۷ق / ۱۹۹۶م.

بیانیه پایانی پنجمین کنگره بین‌المللی وحدت در تهران ۱۴۱۳ق.

بیانیه پایانی هشتمین کنگره بین‌المللی وحدت در تهران ۱۴۱۶ق.

پاسخ احمد کاتب به قزوینی در زمینه امامت به‌عنوان نمونه‌ای از بازنگری از درون در شیعه.

مقاله عبدالسلام یاسین درباره انحراف پس از قتل عثمان در تاریخ اسلام به‌عنوان نمونه‌ای از بازنگری از درون در اهل سنت.

۲. *الاساس التشريعی للوحدة بين الشيعة و اهل السنة*، اردن: عالم الکتب الحدیث،

۱۴۲۹ق / ۲۰۰۸م.

این دومین کتاب نویسنده در زمینه تقریب است. وی معتقد است در کتاب اول گام‌های اولیه و نظری برای تقریب برداشته شده که عبارت‌اند از:

۱. شناخت شیعه و اهل سنت از یکدیگر؛
 ۲. شناخت موارد اختلاف؛
 ۳. اعتقاد به اصلاح و بازنگری؛
 ۴. گزارشی تاریخی از فعالیت‌های تقریبی در شیعه و اهل سنت.
- بنابراین در این کتاب بنیادها و پایه‌های دینی مسئله تقریب را دنبال می‌کند و کتاب را در دو بخش سامان داده است:
- در بخش اول، نظریه‌های تقریب و وحدت در میان مسلمین در دوره اخیر را برمی‌شمارد. در این حوزه از چهار نظریه یاد می‌کند: تجربه جامعه اسلامی، تجربه جامعه عربی، نظریه مالک بن نبی و نظریه موسوم به نظریه اهل بیت در وحدت اسلامی و نقاط مثبت و منفی این نظریه‌ها را در این بخش بیان می‌کند.
- در بخش دوم اساس تشریحی وحدت را مصالحه در مصادر استنباط می‌داند. در این زمینه نخست به زمینه‌های فرهنگی این امر اشاره می‌کند و آنگاه دو محور قرآن و سنت و سپس اجماع را به‌عنوان منابع استنباط مورد کنکاش قرار می‌دهد.

جمع‌بندی

در یک تحلیل اجمالی می‌توان گفت:

۱. از میان این پنج رویکرد، دیدگاه نخست و چهارم دیدگاه‌های شاذی تلقی می‌گردند که برخی تندروها و یا متهمان به انحراف فکری آن را دنبال می‌کنند و در میان اکثریت جوامع اسلامی و عالمان آن خریداری ندارد.
۲. دیدگاه دوم امری است که با فطرت و سرشت انسانی عجین است. سرشت اولیه آدمیان، همزیستی مسالمت‌آمیز با همه ابنای بشر را می‌ستاید و می‌پذیرد و اختلاف و نزاع در زندگی را خروج از این فطرت و سرشت می‌داند. بدین جهت اگر عارضه‌ای از داخل جامعه اسلامی و یا بیرون تحمیل نگردد قاعدتاً مسلمانان چنین رفتاری با هم خواهند داشت و نیاز به تبلیغ و تشویق ندارد.
۳. از میان دیدگاه سوم و پنجم آنچه بیشتر در میان متفکران تقریبی مقبول افتاده است و آن را ترویج می‌کنند، دیدگاه سوم است؛ ولی به گمان ما آنچه می‌تواند تقریب را ماندگار و پایدار کند دیدگاه پنجم است. باید عالمان مذاهب پس از طی این مراحل

و دشواری‌ها بپذیرند که برخی از موارد اختلافی را گاه با اصول مشترک اسلامی و گاه با همان اصول مذهبی خود بازخوانی کنند. در پرتو این بازخوانی برخی تلقی‌های نادرست مرتفع می‌شود و ریشه منازعات خشکانده می‌گردد.

پی‌نوشت

۱. استاد محمدرضا حکیمی در کتاب *عقل سرخ* مقاله‌ای کوتاه پیرامون شخصیت علمی و برخی دیدگاه‌های فلسفی وی تحریر کرده است (۱۳۸۳: ۱۲۸-۱۳۱).

کتاب‌نامه

- اردوش، محمدحسین (۱۳۸۴)، تأملی بر مسأله وحدت اسلامی از دیرباز تا دیروز با تکیه بر اتحاد جنبش اسلام، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- حائری سمنانی (۱۳۷۰ق / ۱۹۵۱م)، «الی اخواننا المسلمین»، رساله الاسلام، سال ۱۲، شماره ۴.
- حسینی طباطبایی، مصطفی (۱۴۰۰ق)، راهی به سوی وحدت اسلامی، بی‌جا.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۸۳)، عقل سرخ، قم: دلیل ما.
- رستگار جویباری، یعسوب‌الدین (۱۴۲۴ق)، حقیقت وحدت در دین و حکمت عید الزهراء، قم: مؤلف.
- زقانی، احمد (۱۴۲۹ق / ۲۰۰۸م الف)، الاساس التشريعی للوحدة بین الشيعة و اهل السنة، اردن: عالم الكتب الحديث.
- _____ (۱۴۲۹ق / ۲۰۰۸م ب)، التقريب بين الشيعة و اهل السنة و تحديات الاختلاف و التصحيح، اردن: عالم الكتب الحديث و جدار الكتاب العالمي.
- سایکس، پرسی (۱۳۳۰ش)، تاریخ ایران، ترجمه سید محمد فخر داعی گیلانی، تهران: وزارت فرهنگ.
- شاکر، احمد محمد (۱۴۱۸ق / ۱۹۹۸م)، نظام الطلاق فی الاسلام، قاهره: مکتبه السنة، الطبعة الثانية.
- صالحی نجف‌آبادی، نعمت‌الله (۱۳۶۴ش)، مجموعه مقالات، قم: نشر دانش اسلامی.
- عنایت، حمید (۱۳۷۰)، سیری در اندیشه سیاسی عرب، تهران: امیر کبیر.
- القفاری، ناصر بن عبدالله بن علی (۱۴۱۲ق)، مسألة التقريب بين اهل السنة و الشيعة، ریاض: دار طيبة، ج ۲.
- قلمداران، حیدرعلی (تکنیری)، شاهراه اتحاد.
- الکاتب، احمد (۱۴۲۸ق / ۲۰۰۷م)، السنة و الشيعة وحدة الدين خلاف السياسة و التاريخ، لندن: دار الشوری، بیروت: الدار العربية للعلوم.
- گفتگوی یک دانشمند شیعی با یک عالم سنی اصفهان، ترجمه میرسیداحمد روضاتی، چاپ دوم، تهران: مترجم، ۱۳۸۷ق / ۱۳۴۶ش.
- گفت‌وگو با آیت‌الله سیدمرتضی عسکری (۱۳۸۰)، علوم حدیث، شماره ۲۰، تابستان.
- لارنس (۱۳۳۱ش)، نادرشاه، ترجمه ربیع مشفق همدانی، تهران: ابن‌سینا.
- محسنی، محمدآصف (۱۳۸۶)، تقریب مذاهب از نظر تا عمل، قم: نشر ادیان.
- نجفی قوچانی، سید محمدحسن آقا (۱۳۷۹ش)، حیات الإسلام فی أحوال آيةالله الملك العلام، تصحیح رمضانعلی شاکری، تهران: هفت (نشر هفت).
- النمر، عبدالمنعم (۱۹۸۸م)، المؤتمر علی الکعبة من القرامطة الی الخمينی، قاهره: مکتبه التراث الاسلامی.
- واعظزاده خراسانی، محمد (۱۳۷۳ش الف)، پیام وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
- _____ (۱۳۷۴ش ب)، ندای وحدت، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.

پژوهشی در موانع عملی وحدت

سید محمدعلی ایازی*

اشاره

در سده اخیر مصلحان و متفکران مسلمان سخن‌های بسیاری دربارهٔ وحدت گفته‌اند؛ اما سوکمندانه آن چنان که باید موفق نبوده‌اند. یکی از علل این عدم موفقیت، وجود موانع فراوان بر سر راه وحدت اسلامی است. مواردی مانند بدفهمی نسبت به موضوع وحدت و نگرانی برخی از متولیان مذاهب نسبت به از دست رفتن هویت مذهبی و تنزل جایگاه آن — علی‌رغم آنکه این موضوع کاملاً توضیح داده شده است که تقریب در جهت نفی هویت مذاهب و یکی کردن آنها نیست — از جمله این موانع‌اند. از سوی دیگر دعوت به وحدت یک توصیه اخلاقی نیست بلکه یک راهکار اجتماعی است که تحقق آن نیازمند یک نظام هماهنگ تربیتی و نهادینه‌سازی فرهنگ رواداری و افزایش تحمل جامعه است. این حرکت فرهنگی، بر اقناع بخش فرهیخته و بحث‌های مستمر علمی و نظری مبتنی است و کار آموزشی دراز مدتی را می‌طلبد. بررسی موانع می‌تواند به این اهداف کمک و از آسیب‌های بیشتر پیشگیری کند. مقاله حاضر کوشیده است با استناد به آیات و روایات، به بررسی موانع موجود بر سر راه وحدت و دلایل عدم موفقیت جدی ایدهٔ مصلحان بپردازد؛ از این رو در آغاز، مبانی موانع وحدت را با تکیه بر معارف دینی نشان داده و آنگاه به خود موانع و راه‌های رفع آنها پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: تقریب، موانع وحدت، عوامل وحدت، اصول اخلاقی، تعامل مذهبی

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران.